

گزارش :

## برگزاری پنجمین کنگره بین المللی مارکس

از ۳ تا ۶ اکتبر ۲۰۰۷ در دانشگاه پاریس ۱۰ (نانترو)

این کنگره که در ۱۲ سال گذشته، هر سه سال يك بار یعنی در ۱۹۹۵، ۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴ تشکیل شده بود، امسال نیز به همان ترتیب و به ابتکار نشریهء تئوریک اکتوئل مارکس با شرکت صدها پژوهشگر از سراسر جهان برگزار شد. مجموعاً ۳۴۲ مطلب چه در جلسات عمومی (که در آمفی تئاتر دانشگاه تشکیل میشد و با ترجمه و فیلم برداری تلویزیونی همراه بود) و چه در کارگاهها (کلاس های دانشگاه) ارائه شد و مورد بحث قرار گرفت. تا کنون برای هر کنگره منتخبی از مقالات ارائه شده معمولاً در حدود ۵ جلد توسط انتشارات دانشگاهی فرانسه (PUF) منتشر شده و قرار است در مورد مباحث این کنگره نیز روال پیشین ادامه یابد. ترجمهء فارسی برخی از مقالات کنگره های پیشین را انتشارات اندیشه و پیکار در ۳ جلد و نیز روی يك CD منتشر کرده ( [سایت انترنتی «نهضت آیندهء افغانستان» نیز این مقالات را به نشر رسانیده است](#) ) که روی سایت اکتوئل مارکس، با سرعنوان انتشارات به زبانهای خارجی (Editions étrangères) و البته سایت اندیشه و پیکار قابل دسترسی است. اضافه کنیم که جلد چهارم ترجمهء فارسی هم در دست تکمیل است .

فراخوان به کنگرهء پنجم بیش از يك سال و نیم پیش منتشر شده بود .

کنگره طبق برنامه ریزی اعلام شده برگزار گردید. از سراسر جهان ۳۴۲ مطلب پژوهشی به کنگره عرضه شد. تمام مقالات کنگره جنبهء آکادمیک و پژوهشی دارد و جایی برای تبلیغ و ترویج گروه سیاسی خاصی نیست. مطالب در رشته های علمی زیر: فرهنگ، حقوق، محیط زیست، اقتصاد (که وسیع ترین رشته بود با سه بخش

ویژه: شکل بندی های ملی، فرارفتن از سرمایه داری، تئوری اقتصادی مارکسیستی)، مطالعات فمینیستی، مطالعات مارکسیستی (مضمون اول: میراث مارکسیسم و امروزین بودن آن، مضمون دوم: سمینار درباره لوکاچ)، تاریخ (همراه با مباحث لیبرالیسم و مدیریت ریسکها [خطرهای احتمالی]، لیبرالیسم و فضا - مکان، مقاومت های ضد لیبرالی، فلسفه (با سمیناری مهم درباره کتاب کاپیتال)، علوم سیاسی، سوسیالیسم، جامعه شناسی.

زبان عمده سمینار زبان فرانسه بود. مباحثی که در جلسات عمومی (پلنوم) در آمفی تئاتر دانشگاه برگزار شد با ترجمهء مستقیم همراه بود. با وجود این، در کارگاهها (آتلیه، ورك شاپ ها) ۵۴ مطلب به زبان انگلیسی و ۵۶ مطلب به زبان اسپانیایی ارائه گردید. کارگاه هایی هم به نشریاتی که با اکتوئل مارکس در برگزاری کنگره همکاری دارند اختصاص داشت.

ژرار دومنیل (اقتصاددان) که ریاست کنگره را همراه با ژاک بیده (استاد فلسفه) به عهده دارد طی چند مقالهء کوتاه که به مناسبت برگزاری کنگره در روزنامهء اومانیتیه نوشت از جمله مگوید: "امروز می خواهیم از نظم اجتماعی نوینی صحبت کنم که از يك ربع قرن پیش بر ما مسلط شده است، یعنی سرمایه داری نولیبرالی. ببینیم ارجاع به مارکس چه کمکی میتواند به تحلیل آن بدهد. بسیاری هستند که بازگشت به چارچوب های تئوریک گذشته را با واژهء "کهنه و منسوخ" به باد ناسزا مگیرند. اما نولیبرالیسم مگر مرحلهء نوینی از سرمایه داری نیست؟ معلوم است که طبقات سرمایه دار کاملاً وجود دارند. کافست لحظه ای به گزارش مریل لینچ کاپچمینی (Merril Lynch-Capgemini) که یکی از بزرگترین نهادهای مدیریت میراث عمومی ست در بارهء "ثروت جهانی" گوش فرا دهیم تا این نکته را درك کنیم. چرا سرمایه داری از "احیای شرایط گذشته و بازگشت به آن" سخن مگوید؟ زیرا طی نخستین دهه های پس از جنگ جهانی دوم، با سوسیال دموکراسی به سازش هایی رسید و برخی امتیازات و درآمدهای خود را (در قبال دیگر بخش های جمعیت) از دست داد. در سال های ۱۹۷۰ وقتی بازار بورس کساد بود و نرخ سود از نرخ تورم پایین تر، چطور میشد يك سرمایه دار "موفق" بود؟ در مجموع، نزدیک به ۳۰ سال،

سرمایه داران با "مانع" روبرو بودند. اما این سالها با تلاش های مستمر آنان نیز همراه بود و سرانجام، آن سازش اجتماعی را که برتری داشت به فرسایش کشاند. تنها در پایان دهه ۷۰ که نشان بحران ساختاری و تنش های تورم بر آن خورده است بود که این طبقات توانستند کفهء ترازو را به سود خود بچرخانند. دیکتاتوری های نظامی آمریکای لاتین آزمایشگاه تئوری های مکتب شیکاگو [نام گروهی غیررسمی از اقتصاددانان لیبرال - م.] بودند. ماگارت تاچر که پینوشه از دوستان نزدیکش بود، و رونالد ریگان چهره های بارز ورود به نظم اجتماعی نوین در کشورهای مرکز بودند، هرچند این امر بدون مقاومت هم رخ نداد چنان که اعتصاب های کارگری در انگلستان و ایالات متحده گواه آن اند. تنها کمی پس از این دوره بود که میتران به سیاست صرفه جویی پیوست که شکستی برای جنبش های مردمی در فرانسه بود. از این به بعد است که مقررات نوین سرمایه (که سهامدار و بستانکار را سلطان می داند) بر کارگران و کادرهای اداری تحمیل شد. مرزها بین کشورهایی که سطوح توسعهء نابرابر داشتند باز گردید و رشد در کشورهایی متمرکز شد که هزینهء نیروی کار به ویژه پایین است مانند چین. علاوه بر این، بیکاری را در اروپا دامن زد و پیوند بین جوامع آمریکای لاتین و آفریقا را گسست. چه کسی حالا می تواند به ما بیاوراند که مبارزهء طبقات "موتور محرك تاریخ" نیست؟

اومانیته در همان روز، ۲ اکتبر، با ژاک بیده (استاد فلسفه) نیز مصاحبه ای داشته که در زیر می خوانید:

سؤال: چه انتظاراتی از این گردهم آیی نوین بین المللی دارید؟ به عنوان يك شهروند ساده، يك فعال کمابیش متعهد در زندگی فکری و اجتماعی، چه انتظاری می توان از این کنگره داشت؟

ژاک بیده: درهای کنگرهء بین المللی مارکس به روی همه باز است. جلسهء افتتاحی در سوربن مناسبی ست برای آشنا شدن با فعالان برجستهء فکری مقاومت در برابر نولیبرالیسم در آسیا، با گایاتری اسپیواک Gayatri Spivak شخصیت بارز

فمینیسم فرودستان [از هند]، و در آمریکا، با شیکو وایتیکر **Chico Whitaker** مبتکر فوروم اجتماعی جهانی، و در آفریقا و جهان عرب با سمیر امین. پلنوم ها (یا جلسات عمومی) به تحلیل های بنیادین، اهداف دراز مدت و مباحثی که هر یک از ریشه یابی های سیاسی و اجتماعی ما را به چالش می گیرند خواهند پرداخت. کنگره حدود ۱۰ سمینار همزمان نیز ارائه می کند: "مطالعات فمینیستی نسل سوم" (نسل نولیبالیسم)، جامعه شناسی نوین طبقات و "بدون" ها [یعنی بدون مسکن، بدون کار، بدون کارت اقامت و غیره - م.ا.]، "فرهنگ مبارز"، "حقوق"، "تاریخ"، "علوم سیاسی"، "جانبداری از محیط زیست"، "سوسیالیسم". بخش اقتصاد و فلسفه هر یک ۲۵ کارگاه را به خود اختصاص می دهند. کنگره دیداری ست بین پژوهشگران، بدون شك مهمترین در نوع خود در اروپا. "شهروند" مورد نظر شما می تواند بنا به علاقه خود يك رشته را برگزینند یا از یکی به دیگری برود.

سؤال: سه سال پیش، مهمانان شما حول مضمون "جنگ امپریالیستی، جنگ اجتماعی" دور هم گرد آمده بودند و این بار حول "پروژه [یا طرح] يك جهان وطنی بدیل". اما ملاحظه میکنیم که جنگ، حقیقتاً، طی سه سال گذشته از دستور روز خارج نشده است. چگونه از يك مضمون به مضمونی دیگر می پردازید؟ و چرا؟

ژاک بیده: سرمایه های واحدی هستند که بی هیچ تمایزی در زمینه های داروسازی، "فرهنگ" یا سلاح های کشتار جمعی سرمایه گذاری می کنند. نولیبالیسم با درهم شکستن دولت اجتماعی تمام کارگران سراسر جهان را در رقابت با یکدیگر قرار می دهد. منطق سود همان بی تفاوتی کامل به انسانها، به زندگی و به طبیعت است. می خواهند ما را به چنان سرایشی بکشاند که به تدریج تمام آنچه را که همگانی ست و نشانی از همبستگی دارد نابود کنند. در چنین دستگاہی لشکرکشی های نظامی از اوضاع اجتماعی و سیاسی جدا نیست. در برابر مجموعه اینها ست که باید مقاومت کرد.

سؤال: آلترموندیالیسم، آنتی کاپیتالیسم [جانبداری از جهانی دیگر، ضدیت با سرمایه‌داری] ... با کنارهم گذاشتن این دو اصطلاح چه روابطی را می‌خواهید بررسی کنید؟ آیا نزدیکی بین این دو بدیهی است؟

ژاک بیده: آلترموندیالیسم مفهوم جدیدی است که بین جریان‌هایی متفاوت با یکدیگر، همگرایی ایجاد می‌کند مثلاً بین طرفداران محیط زیست، مبارزه جهانی زنان، همبستگی سندیکاها و انجمن‌ها، مقاومت "بدون" ها، خلق‌ها و گروه‌های [اجتماعی] تحت ستم، اقلیت‌هایی که به رسمیت شناخته نمی‌شود، الاهیات‌رهایی بخش، انواع انترناسیونالیسم، انواع دو رگه‌ای‌ها... باری، مبارزه ضد سرمایه‌داری چیزی جز مجموعه این مبارزات مشخص و گوناگون نیست. به شرط اینکه این خودآگاهی وجود داشته باشد که در منطق سرمایه است که همه اینها مضمون واحدی می‌یابند و با درافتادن با این منطق است که می‌توان راههای نوین همبستگی جهانی را یافت.

ضدیت با سرمایه‌داری از نظر تاریخی در درون هر ملتی و در مبارزه خلق‌های استعمار زده گسترش یافته است. با جهانی شدن، با ظرفیتی که قدرت مالی برای تصرف فریبکارانه تمام فضا - مکان‌ها دارد، دشمن بیش از پیش نامرئی و دور از دسترس شده است. اما هر مقاومتی، هر پیروزی محلی‌ای خود، نشانه‌ای است، نمونه و دلگرمی‌ای است برای بشریت به طور کلی. گامی به پیش برای همگان.

سؤال: آیا آلترموندیالیسم می‌تواند به نوعی انترناسیونالیسم نوین خلق‌ها باشد و در نقطه مقابل ناسیونالیسم دولت - ملت‌ها قرار گیرد؟ شما اختیار و استقلال پژوهشگران و نیز رشته‌های مختلف را چگونه در این زمینه با یکدیگر در پیوند قرار می‌دهید؟

ژاک بیده: آلترموندیالیسم میراث انترناسیونالیسم را بر عهده دارد. این بدین معنا است که فضاها ملی همچنان آوردگاه‌های تعیین‌کننده‌اند. همینجا‌ها است که باید

پیروز شد بی آنکه فراموش کنیم که آنها امروز ابعاد قاره‌ای به خود می‌گیرند. اما این انترناسیونالیسم احزاب نیستند که می‌توانند مبارزه مشترک را ارتقاء بخشند. از خلال جهانی شدن سرمایه‌داری ست که، بدترین شرایط یعنی واقعیتهای نوین و سیاره‌ای که سر و کار داشتن با آن مسأله همگان است سر بر خواهد آورد و ما نمی‌توانیم بدان دست یابیم مگر از خلال تعدد جنبش‌های سیاسی و فرهنگی، از خلال شبکه‌های پژوهشی، شبکه‌های همبستگی و ابتکاری. بنابراین، برای پژوهشگران برخوردار از کلیه انواع صلاحیت‌ها که با شهروندان از طریق پیوندهای گوناگون درآمیخته‌اند همیشه جای شایسته وجود دارد.

سؤال: شما توجه خاصی را معطوف به آمریکای لاتین کرده‌اید. علت چیست؟ آیا این امر به اوضاع کنونی مربوط است یا امری ست بنیادی تر؟

ژاک بیده: میدانیم که جنبش‌های انقلابی غالباً تصورات شورانگیز و آرامش بخش پدید آورده‌اند، مثلاً میهن‌شوروی، چین بالنده، مائوتسه تونگ، حماسه‌های جهان سوم. شك نیست که آمریکای لاتین نیز می‌تواند چنین نقشی ایفا کند (می‌توان از چه گوارا شمایل ساخت، و چهره‌ای ممتاز). اما تصادفی نیست که آمریکای لاتین امروز به صورت يك نقطه همگرایی پدیدار شده است. در آنجا ظرفیت‌های فراوان برای مقاومت در برابر امپریالیسم، برای یافتن راه‌های بی‌سابقه مشارکت رخ می‌نماید. در آنجا ملاحظه می‌کنیم که مردمان فراموش شده و حومه‌های جهان قد بر می‌افرازند. چه درس‌ها که از آنجا می‌توان گرفت.

سؤال: مگوئید يك جهان وطنی بدیل سرمایه‌داری. حتی اندیشه وجود جهانی که منطبق با هنجار سرمایه‌داری نباشد کمابیش دلپذیر است، ولی در هر حال غیرواقع بینانه به نظر می‌رسد. آیا شما اتوپی را قبول دارید؟

ژاک بیده: سرمایه‌داری تنها یک نظام طبقاتی نیست، بلکه یک نظام جهان (Système du monde) هم هست. از پنج قرن پیش، سرمایه‌داری ویرانی تمدن‌ها را در خارج از اروپا رهبری کرده است: برده‌داری، گرسنگی، استعمار، انواع نابودسازی. این امر از طریق شبکه‌ای از رژیم‌های تابع، از خلال گستره‌های بی‌کران خصوصی شده و نظامی شده ادامه دارد. جهان دارد به صورت یک بازار در مآید، و تبدیل جهان به بازار مستلزم تبدیل انسان‌ها به کالا است. کالاهایی که بر سر آنها، قدرتهای مالی که خود قدرتهای سیاسی و نظامی نیز هستند، طبق قانون "هرکس زورش بیشتر است" چانه می‌زنند. همین قدرتها هستند که نوعی دولت – جهان (Etat-monde) به وجود آورده‌اند که قانون آن تملک خصوصی هرچیزی است و منطق سود. دولتی که بر پایه توازن قوای امپریالیستی اداره می‌شود.

اندیشیدن به یک بدیل به معنای دل‌دادن به یک اتوپی (ناکجاآباد) نیست. در واقع، در چنین شرایطی است که انسانیت وارد مرحله نوینی می‌شود که مسائل اساسی یعنی مسائل مربوط به محیط زیست، به امنیت جمعی، به بهداشت، حتی به ادامه حیات، دست کم از این پس، به صورت مسائل همگان در مآید. در این شرایط است که به نحوی اجتناب‌ناپذیر یک مردم – جهان (un peuple-monde) پدیدار می‌شود.

از اومانیته ۲ اکتبر ۲۰۰۷، مصاحبه کننده: لوسیان دگوا (Lucien Degoy)

**Vous trouverez les contributions des intervenants sur le site**

<http://netx.u-paris10.fr/actuelmarx/cm5/index5.html>

**Vous pouvez assister aux conférences filmées sur le site**

<http://www.canalc2.tv/video.asp?idvideo=6809>

**Plein écran en cliquant sur le bouton de droite de votre souris**

در پایان این گزارش مختصر، یادآوری میکنیم که اگر دوستانی در ترجمهء مقالات (برخی از زبان فرانسوی و برخی از انگلیسی) به ما یاری دهند، انتشارات اندیشه و پیکار مجموعه‌ای از ترجمهء مباحث این کنگره را نیز به فارسی، پس از ویراستاری و به نام مترجم منتشر خواهد کرد.

بر گرفته از سایت پیکار اندیشه

*[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)*